

بررسی مجازات تبعی محرومیت از حقوق اجتماعی

سردفتران و دفترباران

محمد عظیمیان*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۹/۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۹/۲

چکیده:

مطابق اصل سی‌وششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد». عموم و اطلاق عبارات اصل قانونی، ناظر به هر نوع مجازاتی اعم از «اصلی»، «تکمیلی» و «تبعی» و اجرای آن صرفاً از طریق دادگاه‌های صالح است. مجازات تبعی ممنوعیت از تصدی دفاتر اسناد رسمی و دفترباری که در اثر ارتکاب جرایم مستوجب محرومیت از حقوق اجتماعی بر مرتکب تحمیل می‌گردد، از این قاعده مستثنی نیست و بنابراین طبق اصول کلی و پذیرفته شده حقوق جزا، صرفاً محکومیت قطعی به مجازات‌های مصرح در ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی باعث محرومیت سردفتر و دفتربار از تصدی مشاغل مزبور طی مدت مقرر قانونی است و اجرای محرومیت، مستلزم طرح موضوع در دادگاه انتظامی سردفتران و دفترباران و رسیدگی دادگاه و اتخاذ تصمیم مقتضی است.

واژگان کلیدی: مجازات، مجازات تبعی، محرومیت از حقوق اجتماعی، سردفتر، دفتربار، دادگاه انتظامی.

* نویسنده مسئول؛ سردفتر دفتر اسناد رسمی شماره ۶۴۸ تهران و عضو هیئت تحریریه ماهنامه «کانون».

در نظام‌های مختلف حقوقی، کیفر یا مجازات، واکنش جامعه به نقض قواعدی است که توسط حاکمیت برای حفظ نظم مقرر گردیده و اعم از این که هدف آن را «اجرای عدالت»، «تأمین منافع اجتماع»، «حفظ حقوق اشخاص»، «تنبیه مرتکب»، «تنبه سایرین» و یا موارد دیگر بدانیم، عادلانه بودن مجازات‌ها تأثیری به‌سزا در مقبولیت قوانین مصوب و پیشگیری از وقوع و تکرار جرم که هدف غایی مقررات جزایی است، دارد.

تناسب «جرم» و «مجازات» از مقتضیات سیاست کیفری نوین است که در مرحله تصویب از طرف قانون‌گذار و در مرحله اجرا توسط قضات با رعایت جمیع عوامل مدنظر قرار می‌گیرد، به‌صورتی که بعضاً مجازات نقض قانونی، شدید و بعضاً ارتکاب عمل خلاف قانون، مستوجب مجازاتی خفیف است؛ گاهی برای ارتکاب فعل مجرمانه به مجازات اصلی بسنده گردیده و گاهی علاوه بر مجازات اصلی، کیفر تکمیلی و در پاره‌ای از جرایم اضافه بر آن دو، مجازات تبعی نیز در مورد مرتکب، اعمال می‌گردد.

مجازات تبعی بدون آن که نیازی به قید آن‌ها در حکم دادگاه باشد، به تبع مجازات اصلی در مورد محکومین اجرا می‌شود. سردفتر یا دفتریار نیز مثل سایر افراد جامعه ممکن است مرتکب اعمالی گردند که نتیجه آن، محرومیت از حقوق اجتماعی و اختصاصاً محرومیت از تصدی سردفتری یا دفتریاری باشد که این مقاله در دو بخش: بخش اول؛ «مبنای قانونی مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی» و بخش دوم؛ «بررسی موارد محرومیت شخص از تصدی دفاتر اسناد رسمی و دفتریاری» به این موضوع پرداخته است.

بخش اول: مبنای قانونی مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی

«محرومیت از حقوق اجتماعی» گاه به‌عنوان مجازات اصلی، مطابق ماده ۱۷ ق.م.ا. برای حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی (مجازات بازدارنده) اعمال می‌گردد و گاه به‌عنوان مجازات تکمیلی در مورد کسانی که به‌علت ارتکاب جرم عمدی به تعزیر یا مجازات بازدارنده محکوم گردیده‌اند توسط دادگاه تعیین و اعمال می‌گردد (ماده ۱۹ ق.م.ا.) و نهایتاً ممکن است محکومیت قطعی کیفری به

مجازات؛ الف: قطع عضو در جرایم مشمول حد ب: شلاق در جرایم مشمول حد ج: حبس تعزیری بیش از سه سال، به تبع، سبب محرومیت مرتکب از حقوق اجتماعی برای مدت معین گردد.

گفتار اول: سیر تاریخی مبنای قانونی محرومیت از حقوق اجتماعی

الف - قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ شمسی

برای نخستین بار در تدوین قانون مجازات عمومی، مجازات محرومیت از تمام حقوق اجتماعی به عنوان کیفر اصلی جنایت و محرومیت از بعضی حقوق اجتماعی به عنوان یکی از کیفرهای اصلی جنبه‌های مهم، مورد تأیید قانون‌گذار قرار گرفت. مطابق ماده ۸ ق.م.ع.، از قرار زیر است: ۱ - اعدام. ۲ - حبس مؤبد با اعمال شاقه. ۳ - حبس موقت با اعمال شاقه. ۴ - حبس مجرد. ۵ - تبعید. ۶ - محرومیت از حقوق اجتماعی؛ و وفق ماده ۹ همان قانون، مجازات جنبه مهم از قرار زیر است: ۱ - حبس تأدیبی بیش از یک‌ماه. ۲ - اقامت اجباری در نقطه یا نقاط معین یا ممنوعیت از اقامت در نقطه یا نقاط معین. ۳ - محرومیت از بعضی حقوق اجتماعی. ۴ - غرامت در صورتی که مجازات اصلی باشد.

طبق ماده ۱۵ قانون، محرومیت از حقوق اجتماعی مستلزم عواقب ذیل است:

اول - محرومیت از استخدام دولتی و استعمال نشان‌های دولتی.
دوم - محرومیت از حق انتخاب کردن و منتخب شدن خواه در مجالس مقننه و خواه در مؤسسه و انجمن‌های اجتماعی از قبیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی و بلدی و غیره.
سوم - محرومیت از عضویت هیئت منصفه و شغل مدیری و معلمی در مدارس و روزنامه‌نویسی و صدقی و حکم یا شاهد تحقیق شدن.

در اصلاحیه تیرماه ۱۳۲۸، محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان کیفر تبعی و تکمیلی مقرر و عنوان گردید: محکومین به حبس جنایی یا کسانی که کیفر اعدام آن‌ها به حبس

۱. ماده ۱۹ اصلاحی: کیفرهای تبعی و تکمیلی از قرار ذیل است: ۱ - محرومیت از حقوق اجتماعی.

۲ - ممنوعیت از اقامت در محل مخصوص. ۳ - اقامت اجباری در محل مخصوص.

جنایی تبدیل می‌گردد تبعاً از کلیه حقوق اجتماعی محروم می‌باشند و محکومین به جنحه‌های موضوع ماده ۱۹ قانون با حکم دادگاه در مدتی که از ۵ سال تجاوز ننماید، از بعضی حقوق اجتماعی محروم می‌گردند (به‌عنوان مجازات تکمیلی).

ب - قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲

در اصلاحات به‌عمل آمده سال ۱۳۵۲، جرایم به «جنایت»، «جنحه» و «خلاف» تقسیم گردید و مجازات اصلی جنایت؛ ۱ - اعدام، ۲ - حبس دائم، ۳ - حبس جنایی درجه یک از سه سال تا ۱۵ سال، ۴ - حبس جنایی درجه دو از دو سال تا ۱۰ سال و مجازات اصلی جنحه؛ ۱ - حبس جنحه‌ای از ۶۱ روز تا سه سال، ۲ - جزای نقدی از ۵۰۰۱ ریال به بالا و بالاخره مجازات خلاف؛ جزای نقدی از ۲۰۰ ریال تا ۵۰۰۰ ریال تعیین گردید و در نتیجه، برخلاف قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴، وفق مواد ۸ و ۹ و ۱۲ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ محرومیت از حقوق اجتماعی از عداد مجازات‌های اصلی جرایم حذف گردید. لیکن به‌رغم حذف عنوان مجازات «محرومیت از حقوق اجتماعی» از صورت مجازات‌های پیش‌بینی شده برای جنایت و جنحه و خلاف، در بعضی از مواد قانون مجازات عمومی، محرومیت از حقوق اجتماعی به‌عنوان مجازات اصلی برخی جرایم مصوب شد. مثلاً در ماده ۹۰ ق.م.ع. چنین مقرر گردید: «هرگاه مدعی‌العموم استیناف یا بدایت یا معاونین آنها یا مستنطقین یا قضات یا مأمورین دولت یکی از افراد مملکت را در مواردی که قانون مقرر نکرده است امر به توقیف دهند یا در غیر موارد معینه قانونی جزائاً تعقیب و قرار اتهام او را بدهند به محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم خواهند شد».

با این توصیف، تردیدی بدین‌صورت حاصل گردید که آیا اقداماتی که مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی برای آن تعیین گردیده است، جرم می‌باشد؟ و اگر این اعمال جرم است، مشمول تعریف کدام‌یک از جرایم جنایت، جنحه یا خلاف است؟ پاسخ این پرسش در ماده ۱۵ ق.م.ع. بدین‌شرح بیان گردیده است: «مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی تبعی و تکمیلی به قرار زیر است:

- ۱ - محرومیت از تمام یا بعضی حقوق اجتماعی، ۲ - اقامت اجباری در محل معین، ۳ - ممنوعیت از اقامت در محل معین، ۴ - محرومیت از اشتغال به شغل یا کسب یا حرفه یا کار معین و یا الزام به انجام

امر معین. ۵ - بستن مؤسسه. ۶ - محرومیت از حق ولایت یا حضانت یا وصایت یا نظارت ...»

در تبصره یک این ماده چنین مقرر شده است:

«مجازات‌ها و اقدامات مذکور ممکن است به موجب قانون مستقلاً نیز مورد حکم واقع شود. در

این صورت جرم از درجه جنحه محسوب است.»

مطابق تبصره ۲ ماده ۱۵ ق.م.ع. «محرومیت از حقوق اجتماعی دارای عواقب زیر است:

۱ - محرومیت از حق انتخاب کردن یا انتخاب شدن در مجالس مقننه. ۲ - محرومیت از

حق عضویت در کلیه انجمن‌ها و شوراها و جمعیت‌هایی که اعضای آن به موجب قانون باید

با رأی مردم انتخاب شوند. ۳ - محرومیت از عضویت در هیئت منصفه و هیئت امنا. ۴ -

محرومیت از اشتغال به مشاغل آموزشی و روزنامه‌نگاری. ۵ - محرومیت از استخدام در

سازمان‌های دولتی و شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات مأمور

به خدمات عمومی و ادارات مجلسین و سازمان‌های دیگر مملکتی. ۶ - «محرومیت از

وکالت دادگستری و کارگشایی و تصدی دفاتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و

دفتریاری» ۷ - محرومیت از انتخاب شدن به سمت داوری و کارشناسی در مراجع رسمی.

۸ - محرومیت از انتخاب شدن به سمت قیم یا امین یا ناظر یا متولی و متصدی موقوفات

عام. ۹ - محرومیت از استعمال نشان و مدال‌های دولتی و استفاده از امتیازات دولتی و

عناوین افتخاری». با مشخص شدن مصادیق مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی در ماده

۱۵ قانون، تبعی بودن این کیفر در پاره‌ای از محکومیت‌ها مورد تصریح قرار گرفت. مثلاً

مطابق ماده ۱۹ ق.م.ع.؛ «هر کسی به علت ارتکاب جرم عمدی به موجب حکم قطعی به حبس جنایی

محکوم شود یا مجازات اعدام او در نتیجه عفو به حبس جنایی تبدیل گردد تبعاً از کلیه حقوق اجتماعی

محروم خواهد شد.

تبصره یک - هرکس به علت ارتکاب یکی از جنحه‌های زیر یا به علت ارتکاب جنایت عمدی با

رعایت تخفیف به حبس جنحه‌ای محکوم گردد مدت پنج سال از تاریخ اتمام مجازات حبس از خدمت یا

اشتغال در وزارتخانه‌ها یا شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت و سازمان‌های مملکتی و

سازمان‌های مأمور به خدمت عمومی و همچنین اشتغال به امر وکالت در دعاوی و «سردفتری و

دفتریاری» محروم خواهد بود و به علاوه دادگاه می‌تواند مجرم را به محرومیت از یک یا بعض دیگر از

حقوق اجتماعی در مدتی که از پنج سال تجاوز نکند، محکوم نماید.»

جنگه‌های مذکور عبارتند از: ۱ - کلیه جنگه‌های مضر به مصالح عمومی که در باب دوم قانون مجازات عمومی پیش‌بینی شده^۱ یا جنگه‌هایی که از این حیث مشابه آن‌هاست و به موجب قوانین جداگانه تعیین گردیده است. ۲ - سرقت‌های جنگه‌ای. ۳ - کلاهبرداری و یا جنگه‌هایی که به موجب قانون در حکم کلاهبرداری است. ۴ - خیانت در امانت یا جنگه‌هایی که به موجب قانون در حکم خیانت در امانت است.^۲

ج - قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰^۳

پس از انقلاب اسلامی با جایگزینی قوانین شرعی و نسخ تقسیم‌بندی مجازات‌های عرفی، حد فاصل تاریخ ۱۳۶۱/۶/۳ تا ۱۳۶۲/۵/۱۸ قوانین حدود و قصاص، دیات و تعزیرات از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت و اعمال مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی به‌عنوان مجازات تکمیلی در جرایم عمدی تعزیری از اختیارات دادگاه قلمداد گردید.

با تصویب قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰/۵/۸) در ماده ۱۹ قانون، اختیار اعمال مجازات و محکومیت مرتکبین جرایم عمدی (واجد کیفر تعزیر یا بازدارنده) به محرومیت از حقوق اجتماعی به دادگاه سپرده شد، مجازاتی که تکمیلی بوده و نوع و مدت آن بالصراحه در قانون یاد شده اشاره، قرار نگرفته بود.

در اصلاحیه ۱۳۷۷/۲/۲۷ با الحاق ماده ۶۲ مکرر به قانون مجازات اسلامی، محکومیت‌هایی که تبعاً باعث محرومیت از حقوق اجتماعی می‌شود، منصوصاً بیان گردیده

۱. باب دوم قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ شامل مواد ۶۱ لغایت ۱۷۰ می‌باشد که عناوین مجرمانه «جرایم علیه امنیت خارجی و داخلی»، «سکه قلب»، «جعل و تزویر»، «غصب عناوین»، «رشوه»، «تعدی نسبت به دولت»، «هتک حرمت مأمورین» و «اجتماع برای ارتکاب جرم» در شمار عناوین مربوطه است.

۲. مطابق ماده ۱۲ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران اشخاص زیر را نمی‌توان به سمت سردفتری یا دفتریاری انتخاب یا ابقا کرد: ... ۴ - محکومین به جنایات عمدی و محکومین به ارتکاب جنگه‌های منافی عفت و همچنین محکومین به جنگه‌هایی که مطابق قانون، مستلزم محرومیت از بعضی حقوق اجتماعی مذکور در ماده ۱۵ قانون مجازات عمومی است و همچنین اشخاصی که احراز شود به اتهامات جنایات عمدی تحت محاکمه هستند. ...

۳. از تاریخ ۱۳۶۱/۷/۲۱ و تصویب ماده ۱۴ قانون راجع به مجازات اسلامی که جایگزین ماده ۱۹ قانون مجازات عمومی شده است تا تاریخ ۱۳۷۷/۲/۲۷ و تصویب ماده ۶۲ مکرر، مجازات تبعی در قوانین کیفری وجود نداشت.

و مصادیق محرومیت نیز به شرح ذیل مورد اشاره قانون گذار قرار گرفت:

ماده ۶۲ مکرر: محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی به شرح ذیل، محکوم علیه را از حقوق اجتماعی محروم می نماید و پس از انقضای مدت تعیین شده و اجرای حکم رفع اثر می گردد:

- ۱ - محکومان به قطع عضو در جرایم مشمول حد، پنج سال پس از اجرای حکم.
 - ۲ - محکومان به شلاق در جرایم مشمول حد، یک سال پس از اجرای حکم.
 - ۳ - محکومان به حبس تعزیری بیش از سه سال، دو سال پس از اجرای حکم.
- تبصره یک - حقوق اجتماعی عبارت است از حقوقی که قانون گذار برای اتباع کشور جمهوری اسلامی ایران و سایر افراد مقیم در قلمرو حاکمیت آن منظور نموده و سلب آن به موجب قانون یا حکم دادگاه صالح می باشد از قبیل:
- الف - حق انتخاب شدن در مجالس شورای اسلامی و خبرگان و عضویت در شورای نگهبان و انتخاب شدن به ریاست جمهوری.
- ب - عضویت در کلیه انجمن ها و شوراهای و جمعیت هایی که اعضای آن به موجب قانون انتخاب می شوند.
- ج - عضویت در هیئت های منصفه و امانا.
- د - اشتغال به مشاغل آموزشی و روزنامه نگاری.
- ه - استخدام در وزارتخانه ها، سازمان های دولتی، شرکت ها، مؤسسات وابسته به دولت، شهرداری ها، مؤسسات مأمور به خدمات عمومی، ادارات مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان و نهادهای انقلابی.
- و - وکالت دادگستری و تصدی دفاتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفترباری.
- ز - انتخاب شدن به سمت داوری و کارشناسی در مراجع رسمی.
- ح - استفاده از نشان و مدال های دولتی و عناوین افتخاری.

گفتار دوم: جرایم و مجازات های مستلزم محرومیت از حقوق اجتماعی

تقسیم جرایم از حیث شدت و ضعف مجازات در قانون ایران مسبوق به سابقه است

چنان که در قانون مجازات عمومی، جرایم به جنایت، جنحه و خلاف تقسیم و قانون گذار بعد از انقلاب، عناوین مجازات را به «حدود»، «قصاص»، «دیات»، «تعزیرات» و «بازدارنده» تغییر داده است.

مطابق ماده ۱۳ ق.م.ا.، حد به مجازاتی گفته می‌شود که نوع و میزان و کیفیت آن در شرع تعیین شده است.^۱ در قرآن مجید برای چهار جرم «سرقت»، «محرابه»، «زنا» و «کذب» و در احادیث نیز برای چهار جرم دیگر «شرب مسکر»، «لواط»، «مساحقه» و «قوادی»، کیفر «حد» مقرر شده است. کیفر حد، یا سالب حیات است نظیر حد قتل در زنا، لواط، محاربه و تکرار جرم در حدود (مواد ۸۲، ۸۳، ۱۱۰، ۱۷۹، ۱۹۰، ۲۰۱ ق.م.ا.) و یا کیفر بدنی است نظیر؛ حد قطع عضو در خصوص سارق و محارب (ر.ک.: مادتهای ۲۰۱ و ۱۹۰ ق.م.ا.) و یا تازیانه و شلاق است؛ نظیر شرب خمر، کذب و مساحقه (ر.ک.: مواد ۱۷۴، ۱۴۰، ۱۲۹ ق.م.ا.) و یا ممکن است محدودکننده آزادی باشد نظیر کیفر حبس ابد در سرقت مرتبه سوم و یا کیفر تبعید در قوادی. (ر.ک.: مادتهای ۲۰۱ و ۱۲۸ ق.م.ا.)^۲

دومین عنوان انتخابی قانون گذار در تعیین و تعریف مجازات‌ها، قصاص است که از آن به «کیفری که جانی به آن محکوم می‌شود و باید با جنایت او برابر باشد» نام برده شده است و سومین گروه مجازات‌ها «دیه» است که وفق ماده ۱۵ ق.م.ا.، دیه، مالی است که از طرف شارع برای جنایت تعیین شده است. محکومیت به مجازات قصاص نفس و عضو و دیه باعث محرومیت از حقوق اجتماعی نمی‌گردد، لیکن در مواردی که اقدام مرتکب مستوجب قصاص بوده و شاکی از قصاص گذشت کرده یا شاکی نداشته باشد و عمل مرتکب موجب اخلال در نظم جامعه یا خوف شده و یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد یا موارد معاونت در قتل عمد و اکراه در قتل (ر.ک.: مواد ۲۰۷، ۲۰۸ و ۲۱۱ ق.م.ا.) که جانی به حبس محکوم می‌شود، مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی نیز اعمال می‌گردد.

۱. حد، کیفری است عمدتاً بدنی که از قبل اندازه آن معین شده و قاضی در کم و زیاد نمودن، تبدیل و اسقاط آن اختیاری ندارد (اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، ج. ۲، ص. ۱۵۲)

۲. شکر، رضا، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، ۱۳۸۱، نشر مهاجر، ص. ۴۱.

چهارمین و پنجمین گروه مجازات‌ها، کیفر تعزیر و مجازات بازدارنده است که ضمن اختصاص کتاب پنجم از قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۵) به عناوین مجرمانه موضوع مواد ۴۹۸ تا ۷۲۹ در مواد ۱۶ و ۱۷ ق.م.ا. بدین صورت تعریف گردیده است:

تعزیر، تأدیب یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و به نظر حاکم واگذار شده است. از قبیل، حبس و جزای نقدی و شلاق که میزان شلاق بایستی از مقدار حد کمتر باشد.

مجازات بازدارنده، تأدیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین می‌گردد. از قبیل، حبس، جزای نقدی، تعطیل محل کسب، لغو پروانه و محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت در نقطه یا نقاط معین و منع از اقامت در نقطه یا نقاط معین و مانند آن.

مجازات تعزیری و بازدارنده، اشتراکات فراوانی دارند تا جایی که برخی حقوق‌دانان جرایم با کیفر بازدارنده را از تقسیمات جرایم تعزیری شمرده‌اند^۱ اما به هر حال، تعیین کیفر حبس برای جرایم تعزیری و بازدارنده که اساس محکومیت‌های موجب محرومیت از حقوق اجتماعی را تشکیل می‌دهد، دلیل کافی بر اشتراک قواعد آن دو به‌ویژه در موضوع بحث ما است.^۲

الف - جرایمی که محرومیت از حقوق اجتماعی در آن کیفر تکمیلی است:

قانون‌گذار در ماده ۱۹ ق.م.ا.، اختیار تعیین و اعمال مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی را در پاره‌ای از جرایم عمدی به دادگاه اعطا نموده است. مطابق این ماده؛ دادگاه می‌تواند کسی را که به علت ارتکاب جرم عمدی به تعزیر یا مجازات بازدارنده محکوم کرده است به‌عنوان متمیم حکم تعزیری یا بازدارنده مدتی از حقوق اجتماعی محروم و نیز از اقامت در نقطه یا نقاط معین ممنوع یا به اقامت در محل معین، مجبور نماید.

۱. تعزیر را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود؛ یک دسته جرایمی است که در زمان شارع اختیار تعزیر آن در دست حاکم بوده است و تعزیرات شرعی نامیده می‌شود و دسته دوم که به تعبیر ماده ۱۷ ق.م.ا. تخلف از مقررات و نظامات حکومتی نامیده شده است، یعنی جرایمی نظیر تخلفات رانندگی و شهرسازی و محیط زیست که در زمان شارع وجود نداشته است و به مقتضای زمان و مکان جرم شناخته می‌شوند. (مه‌ریور، حسین، سرگذشت تعزیرات، مجله کانون وکلا، پاییز و زمستان ۶۸، شماره‌های ۱۴۹ و ۱۴۸، صص. ۶۷-۱۳)

۲. مطابق نظریه شماره ۷/۸۰۱۳ - ۷۸/۱۱/۳ اداره کل حقوقی قوه قضائیه، اصطلاح تعزیر شامل مجازات بازدارنده هم می‌شود لیکن اصطلاح مجازات بازدارنده شامل تعزیرات شرعی نیست.

مداقه در این ماده قانونی ما را به نتایج ذیل رهنمون می‌سازد:

۱ - کیفر محرومیت از حقوق اجتماعی موضوع این ماده تکمیلی است و در صورت قید آن در دادنامه دادگاه بدوی که قطعی گردیده یا پس از نقض توسط دادگاه تجدیدنظر، معین گردیده است، قابلیت اعمال دارد و تحمیل چنین مجازاتی بر محکوم علیه پس از صدور حکم، فاقد مبنای قانونی است.

۲ - تعیین مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی از اختیار دادگاه رسیدگی کننده است و دادگاه در این مورد مخیر است.

۳ - عنصر روانی یا سوءنیت در ارتکاب عمل منافی قانون، الزامی است. به عبارت دیگر، وجود عنصر عمد در جرم ارتكابی، ضروری است.

۴ - مجازات مرتکب می‌باید از نوع مجازات تعزیری یا بازدارنده باشد و لذا در جرایمی که مجازات آن حدود و قصاص و دیات است، محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تکمیلی مورد ندارد.

۵ - محرومیت از حقوق اجتماعی باید متناسب با جرم و خصوصیات مجرم و در مدت معین باشد.

۶ - با توجه به اطلاق عبارت تعزیر و بازدارنده در ماده ۱۹ ق.م.ا، هم‌چنین تعیین برخی مصادیق کیفر تعزیر در ماده ۱۶ ق.م.ا. (حبس، جزای نقدی و شلاق) به نظر می‌آید مجازات تکمیلی محرومیت از حقوق اجتماعی، اختصاص به محکومین به حبس ندارد و این محدودیت در مورد محکومین به شلاق و جزای نقدی (در صورتی که تعزیری یا بازدارنده باشد) نیز قابلیت اعمال دارد.^۱

ب - جرایمی که محرومیت از حقوق اجتماعی در آن کیفر تبعی است:

کیفر تبعی، کیفری است که علاوه بر مجازات اصلی جرم، خود به خود و بدون ذکر در

۱ . مجازات‌های بازدارنده مذکور در ماده ۱۷ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۰/۵/۸ به ضرورت حفظ نظم و مصلحت اجتماعی درباره کسانی اعمال می‌شود که مرتکب جرم عمدی شده و تعیین مجازات تعزیری مقرر در قانون برای تنبیه و تنبه مرتکب کافی نباشد که در این صورت دادگاه می‌تواند بر طبق ماده ۱۹ ق.م.ا. مجازات بازدارنده را هم به عنوان متمیم مجازات در حکم خود قید نماید و تعیین حداکثر مجازات تعزیری مانع مجازات بازدارنده نمی‌باشد. (ر.ک.: رأی وحدت رویه شماره ۵۹۰ - ۱۳۷۲/۱۱/۵ دیوان عالی کشور).

حکم دادگاه به موجب قانون بر محکوم بار می‌گردد.

مبنای قانونی مجازات تبعی، ماده ۶۲ مکرر الحاقی (۱۳۷۷/۲/۲۷) به قانون مجازات اسلامی است که مطابق آن - محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی به شرح ذیل، محکوم علیه را از حقوق اجتماعی محروم می‌نماید و پس از انقضای مدت تعیین شده و اجرای حکم رفع اثر می‌گردد:

۱ - محکومان به قطع عضو در جرایم مشمول حد پنج سال پس از اجرای حکم.

۲ - محکومان به شلاق در جرایم مشمول حد یک سال پس از اجرای حکم.

۳ - محکومان به حبس تعزیری بیش از سه سال، دو سال پس از اجرای حکم.^۱

از بررسی مواد مختلف قانون مجازات اسلامی و تطبیق آن با بندهای سه گانه ماده ۶۲ مکرر می‌توان چنین نتیجه گرفت که؛ محکومیت به قطع عضو موضوع بند یک منحصر به حد سرقت و محاربه (مواد ۱۹۰ و ۲۰۱ ق.م.ا.) می‌باشد و کیفر جلد در جرایم مستوجب حد موضوع بند ۲ منحصر به حد زنا غیرمحصن، زنا پیرمرد و پیرزن، زنا مرد متأهل، تفخیز، مساحقه، قوادی، کذب و شرب خمر ناظر به مواد ۸۸، ۱۲۱، ۱۲۹، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۷۴ ق.م.ا. بوده و نتیجتاً محرومیت از حقوق اجتماعی به واسطه محکومیت به شلاق تعزیری به استناد ماده ۶۲ مکرر، فاقد وجاهت قانونی است و در نهایت، با عنایت به واژه «محکومان» مذکور در بند ۳، ملاک محرومیت تبعی، کیفر مندرج در دادنامه است و نه کیفر قانونی عمل.

بخش دوم: بررسی موارد محرومیت شخص از تصدی دفاتر اسناد رسمی و

دفتریاری

تنظیم و ثبت رسمی اسناد، امری است حاکمیتی که با تصویب قانون و تعیین مرجعی به نام دفتر اسناد رسمی، اجرای آن به عهده شخصی محول گردیده که با رعایت مقررات بنا به پیشنهاد سازمان ثبت اسناد و املاک کشور با جلب نظر مشورتی کانون سردفتران و

۱. مطابق ماده ۵۷ قانون مجازات عمومی سابق، مرتکبین جنایت ظرف ۱۰ سال و مرتکبین جنحه ظرف ۵ سال از تاریخ اتمام کیفر حبس یا مشمول مرور زمان به اعاده حیثیت نائل می‌آمدند.

دفترباران (در محل‌های فاقد کانون نظر مشورتی دادستان و یا دادگاه بخش) و به‌موجب ابلاغ وزیر دادگستری (قوه قضائیه) منصوب می‌گردد. منصب سردفتری در دیدگاه قانون‌گذار از چنان جایگاه و اعتباری برخوردار است که ارتکاب پاره‌ای از جرایم، باعث مخدوش شدن اعتماد حاکمیت و در نتیجه محرومیت شخص از انتخاب یا ابقا به سردفتری است.

گفتار اول: محرومیت به مجازات قبل از اشتغال

تصدی دفاتر اسناد رسمی و دفترباری مانند بسیاری از مشاغل دیگر مستلزم احراز شرایطی است. آنچه به‌عنوان نداشتن سوء پیشینه در مقررات استخدامی رسمی و غیررسمی به‌کار می‌رود، در مورد کسانی که قصد تصدی دفاتر اسناد رسمی را دارند، به‌صورت بسیار دقیق و البته با شرایط سخت‌تر مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است.

مطابق ماده ۱۲ قانون دفاتر اسناد رسمی؛ ... «اشخاص زیر را نمی‌توان به سمت سردفتری یا دفترباری انتخاب یا ابقا کرد: ۱ - ... ۲ - ... ۳ - ... ۴ - ... محکومین به جنایات عمدی و محکومین به ارتکاب جنحه‌های منافی عفت و هم‌چنین محکومین به جنحه‌هایی که مطابق قانون مستلزم محرومیت از بعضی حقوق اجتماعی مذکور در ماده ۱۵ قانون مجازات عمومی است و هم‌چنین اشخاصی که احراز نشود به اتهامات جنایات عمدی تحت محاکمه هستند». بدین ترتیب، محکومین به اعدام که مجازات اعدام آنان در نتیجه عفو به حبس جنایی تبدیل گردیده است، محکومین به حبس سه تا پانزده سال یا دو تا ده سال، هم‌چنین محکومین به ارتکاب جرایم منافی عفت (موضوع قانون مجازات عمومی) و محکومین به جنحه‌های مضر به مصالح عمومی، سرقت، کلاهبرداری و خیانت در امانت جنحه‌ای (حبس جنحه‌ای تا سه سال) و متهمین به جنایات عمدی را نمی‌توان به سمت سردفتری یا دفترباری انتخاب یا ابقا نمود. به عبارت دیگر، اولاً برای انتخاب سردفتر یا دفتربار در حال حاضر نیز می‌باید عین حکم موضوع بند ۴ ماده ۱۲ ق.د.ا.ر.ک. اجرا گردد و ثانیاً در صورت ارتکاب یکی از اعمال مجرمانه مذکور توسط سردفتر یا دفتربار شاغل می‌باید محرومیت نامبرده نیز مورد بررسی قرار گیرد.

این برداشت ظاهری از صدر ماده ۱۲ ق.د.ا.ر.ک. با دو انتقاد روبروست: اول این‌که؛ با جایگزینی تقسیم‌بندی جدید عناوین مجرمانه و مجازات‌ها و نسخ صریح قانون مجازات

عمومی و تبعاً عناوین جنایت، جنحه و خلاف، نمی‌توان عناوین حدود، قصاص، دیات، تعزیرات و بازدارنده را موسع تفسیر نمود و با عناوین مندرج در قانون مجازات عمومی، یکی دانست.

ممنوعیت ملاک‌گیری در مقررات جزایی، تأکید بر اصول تفسیر مضیق، تفسیر به نفع متهم، اکتفا به قدر متیقن و... در عین حساس بودن منصب سردفتری، چنین متبادر به ذهن می‌کند که در انتخاب سردفتر نمی‌توان با بهره از بند ۴ ماده ۱۲ ق.د.ا.ر.ک. به محرومیت شخص متقاضی سردفتری که دارای سابقه محکومیت است، اظهارنظر نمود. دوم این‌که؛ برخلاف ظاهر فریبنده لفظ «ابقاً» در صدر ماده ۱۲ ق.د.ا.ر.ک. محرومیت از حقوق اجتماعی ناظر به این قسمت، راجع به سردفتران و دفترباران است که حد فاصل سال‌های ۱۳۵۲ (زمان تصویب قانون مجازات عمومی) تا ۱۳۵۴ (زمان تصویب قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفترباران) مرتکب یکی از جرایم موضوع بند ۴ ماده ۱۲ ق.د.ا.ر.ک. گردیده و محکومیت حاصل یا متهم به جنایت عمدی بوده و قانون‌گذار نسبت به ادامه کار این افراد، اتخاذ تصمیم نموده است. توسعه عبارت «ابقاً کرد» به وضعیت سردفتران و دفترباران که امروزه مرتکب جرایمی شده و محکومیت می‌یابند، بدون امارات و شواهد متقن قابل انتقاد می‌باشد؛ به‌ویژه این‌که در ماده ۴۲ ق.د.ا.ر.ک. رسیدگی به صلاحیت سردفتران و دفترباران که دارای سوء‌شهرت یا عدم امانت باشند به صورت اختصاصی مورد لحوق حکم قانون‌گذار قرار گرفته است.^۱

گفتار دوم: محکومیت به مجازات پس از اشتغال

صراحت ماده ۶۲ مکرر (الحاقی ۱۳۷۷/۲/۲۷) به قانون مجازات اسلامی تردیدی در محرومیت محکوم‌علیه به مجازات؛ ۱ - قطع عضو در جرایم مشمول حد، پنج‌سال پس از اجرای حکم. ۲ - شلاق در جرایم مشمول حد، یک‌سال پس از اجرای حکم. ۳ - حبس

۱. با توجه به ماده ۱۲ ق.د.ا.ر.ک. بالاخص بند ۴ ماده مذکور ابقای سردفتری که به موجب حکم قطعی دادگاه به حبس جنایی محکوم و سپس محکومیتش مشمول عفو شده در شغل سردفتری قانوناً و منطقاً صحیح به نظر نمی‌رسد... (ر.ک: نظریه مشورتی اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه به شماره ۱۳۶۳/۳/۶ - ۷/۵۸۶).

تعزیری بیش از سه سال، دو سال پس از اجرای حکم، از تصدی دفاتر اسناد رسمی و دفتریاری باقی نگذاشته است. یعنی چنان که سردفتر یا دفتریاری در دوره اشتغال به خدمت مرتکب یکی از اعمال مجرمانه مذکور گردیده و به شرح فوق محکومیت حاصل نمایند تبعاً برای مدت‌های مقرر از تصدی سردفتری یا دفتریاری محروم می‌گردند.

نتیجه:

۱ - محرومیت از تصدی دفاتر اسناد رسمی و دفتریاری کیفر تبعی محکومیت به مجازات منصوصی است که در بندهای سه‌گانه ماده ۶۲ مکرر ذکر گردیده و به هیچ وجه در مورد سایر جرایم و مجازات‌ها از جمله مجازات شلاق تعزیری، جزای نقدی، تبعید و ... قابلیت اعمال ندارد.

۲ - با توجه به لاحق بودن ماده ۶۲ مکرر و قید مدت‌هایی که پس از آن از مجازات تبعی محرومیت رفع اثر می‌گردد و عنایت به ماده ۱۹ ق.م.ا. (اختیار دادگاه در تعیین کیفر تکمیلی محرومیت از حقوق اجتماعی) و ماده ۲۰ قانون (تناسب جرم با مجازات تکمیلی) به نظر می‌آید در صورتی که بند ۴ ماده ۱۲ ق.د.ا.ر.ک. را در حال حاضر قابل اعمال بدانیم، رعایت مدت‌های مذکور و پس از انقضای آن، رفع اثر از محرومیت تصدی دفاتر اسناد رسمی ضروری است.

۳ - هر چند با تصویب قانون مجازات اسلامی به لحاظ تعیین تکلیف مباحث «تعلیق مجازات»، تکرار جرم، آزادی مشروط، ماده واحده قانون تعریف محکومیت‌های مؤثر در قوانین جزایی^۱ (مصوب ۱۳۶۶/۷/۲۶) کاربرد خود را از دست داده است. اصولاً سابقه محکومیت مؤثر چه در رابطه با ماده واحده تعریف محکومیت‌های مؤثر و چه در رابطه با قانون مجازات اسلامی، مربوط به تعلیق اجرای مجازات، تکرار جرم و آزادی مشروط است

۱. ماده واحده قانون تعریف محکومیت‌های مؤثر در قوانین جزایی: مراد از محکومیت‌های مؤثر کیفری مذکور در قوانین جزایی مصوب مجلس شورای اسلامی عبارت است از: الف - محکومیت به حد. ب - محکومیت به قطع یا نقص عضو. ج - محکومیت لازم‌الاجرا به حبس از یکسال به بالا در جرایم عمدی. د - محکومیت قطعی به جزای نقدی به مبلغ بیست میلیون ریال یا بالاتر در جرایم عمدی (اصلاحیه ۱۳۸۲/۵/۲۸) ه - سابقه محکومیت لازم‌الاجرا دوبار یا بیشتر به علت جرم‌های عمدی مشابه با هر میزان مجازات. جرم‌های سرقت، کلاهبرداری، اختلاس، ارتشاء، خیانت در امانت جزو جرم‌های مشابه محسوب می‌شوند.

نه محرومیت از حقوق اجتماعی؛ و لذا ارتباطی با محرومیت از حقوق اجتماعی و نتیجتاً محرومیت از تصدی دفاتر اسناد رسمی و دفترباری مذکور در بند «و» تبصره یک ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی ندارد.

۴ - با تصویب قانون راجع به مجازات اسلامی (۱۳۶۱/۷/۲۱) و جایگزینی ماده ۱۴ قانون به جای ماده ۱۹ قانون مجازات عمومی و اکتفا به مجازات تکمیلی و لغو مجازات تبعی و نهایتاً نسخ قواعد مربوط به تحمیل مجازات‌های تبعی، بدون تردید قسمت‌های مغایر ماده ۱۵ ق.م.ع. و همچنین بند ۴ ماده ۱۲ ق.د.ا.ر.ک. منسوخه است و استناد به این بند در تحمیل مجازات تبعی سردفتر و دفتربار موجه نمی‌باشد.

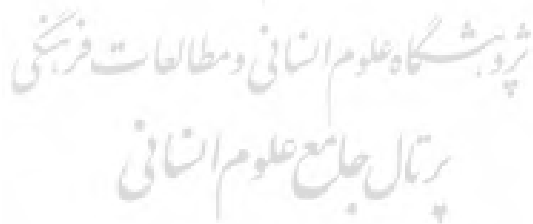
۵ - حقوق اجتماعی عبارت است از حقوقی که قانون‌گذار برای اتباع کشور جمهوری اسلامی ایران و سایر افراد مقیم در قلمرو حاکمیت آن منظور نموده و سلب آن به موجب قانون یا حکم دادگاه صالح می‌باشد، مانند حق استخدام در وزارتخانه‌ها، حق انتخاب شدن، عضویت در هیئت‌های منصفه و تصدی دفاتر اسناد رسمی و دفترباری.

حق تصدی دفاتر اسناد رسمی اگرچه از حقوق اجتماعی است؛ یعنی این که تمامی واجدین شرایط حق تصدی آن را دارند اما پس از تحقق شرایط و انتخاب شخص به سردفتری دفترخانه اسناد رسمی، این وضعیت از عنوان حقوق اجتماعی خارج می‌گردد. زیرا در این حالت، دیگر تمام افراد دارای حق مساوی تصدی سردفتری نمی‌باشند بلکه سردفتری حق خاص شخص سردفتر است همان‌گونه که حق استخدام از حقوق اجتماعی است اما پس از قبولی شخص به استخدام دولت، خدمت دولت وظیفه و شغل محسوب می‌شود و سایر اشخاص در برخورداری از این حالت دارای حق مساوی نیستند بلکه این حق خاص همان کارمند است. بنابراین محرومیت از تصدی دفاتر اسناد رسمی ناظر به زمانی است که تصدی آن، حق اجتماعی تمام اتباع ایرانی است و قطعاً دوره پس از انتصاب از عنوان حقوق اجتماعی خروج موضوعی داشته و به استناد ماده ۶۲ مکرر

نمی‌توان حکم به محکومیت سردفتر به تصدی دفتر اسناد رسمی صادر نمود.^۱

۶- وفق ماده ۴۲ ق.د.ا.ر.ک. در هر مورد که وزیر دادگستری از سوءشهرت یا عدم امانت یا نداشتن صلاحیت علمی و عملی سردفتر یا دفترباری اطلاع حاصل کند، می‌تواند از دادگاه انتظامی رسیدگی به صلاحیت او را بخواهد ...

قطعاً یکی از طرق معتبر اطلاع از سوءشهرت یا عدم امانت سردفتر، محکومیت قطعی نامبرده به کیفرهای موضوع ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی می‌باشد و به لحاظ تعیین سازوکار رسیدگی به صلاحیت سردفتر و دفتربار در ماده ۴۲ اعتقاد به تکرار آن در ماده ۱۵ ق.د.ا.ر.ک. و مواد ۱۹ و ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی با اصول تدوین قانون مابینت دارد. بنابراین به نظر می‌آید در صورت محکومیت سردفتر به مجازات مقرر در ماده ۶۲ مکرر قانون یاد شده بدون تحمیل کیفر تبعی محرومیت از تصدی دفترخانه، می‌باید در اجرای ماده ۴۲ ق.د.ا.ر.ک. در دادگاه انتظامی بدوی با حق تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر انتظامی، به صلاحیت سردفتر رسیدگی نمود.



۱. ر.ک.: نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه به شماره ۷/۵۳۰۸ - ۱۳۶۵/۹/۹.